

عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت جوانان شهر یاسوج

نویسنده: عباس اسلامی فارسانی^۱

احمد سعیدی^۲

فصلنامه (علمی-تخصصی) مطهر، سال چهاردهم، شماره ۴۲، پاییز ۱۳۹۶

چکیده

شرایط کنونی ارتباطات جهانی، توسعه و رشد تکنولوژی‌های مختلف، شبکه‌های اجتماعی، رویارویی مداوم فرهنگی، تفاوت نسلی و... سبب شده است که مسأله «هویت»، موضوعی مهم در تحقیقات اجتماعی تبدیل شود. تحقیق حاضر به بررسی شناسایی و تعیین ترکیب هویت جوانان شهر یاسوج و عوامل مؤثر بر آن می‌پردازد. این تحقیق با روش پیمایشی در بین نخبگان و کارشناسان فرهنگی، دانشگاهی و سازمان‌های مرتبط با جوانان شهر یاسوج و با استفاده از پرسشنامه اجرا شده است. در این مقاله، سعی شده با استفاده از ادبیات و مبانی نظری تحقیق دو عامل داخلی (کارکرد نهادها، مراکز و عوامل هویت‌ساز جامعه) و خارجی (فضای مجازی، نفوذ الگوهای فرهنگ بیگانه و تحولات بین‌المللی) مؤثر بر گرایش جوانان شهر یاسوج به هویت را مورد بررسی قرار گیرد. داده‌های حاصل با استفاده از آزمون‌های آماری و به کمک نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج سنجش نشان داد که در مقایسه ابعاد هویت جوانان شهر یاسوج، بُعد هویت قومی در رتبه اول، بُعد هویت ایرانی در رتبه دوم، بُعد هویت اسلامی در رتبه سوم و بُعد هویت غربی در رتبه چهارم قرار دارد. همین‌طور به ترتیب عوامل داخلی با رتبه میانگین ۱،۸۸ و عوامل خارجی با رتبه میانگین ۱،۱۲ بر گرایش جوانان شهر یاسوج به هویت غربی مؤثر است. با توجه به نتایج تحقیق، جوانان شهر یاسوج به دلایلی از جمله پایبندی به آداب و رسوم محلی و سنتی بودن بافت شهر، گرایش بالایی نسبت به هویت قومی دارند و پاسخگویان معتقدند که اگر عوامل هویت‌ساز داخلی بتوانند به خوبی نقش خود را ایفا کنند، عوامل خارجی نمی‌توانند تأثیر زیادی بر هویت جوانان شهر یاسوج داشته باشند.

واژگان کلیدی:

هویت، هویت اسلامی، هویت ایرانی، هویت قومی، هویت غربی، جوان.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه جامع امام حسین (ع).

۲. کارشناس ارشد اطلاعات فرهنگی دانشگاه جامع امام حسین (ع).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و حرکت همگانی مردم برای تثبیت بنیادین ارزش‌های نظام، دشمنان همواره از طریق برنامه‌های مختلف سعی در اختلال در نظام برنامه‌های کشورمان داشته‌اند. پس از آنکه دشمنان از ادامهٔ رابطه و مصالحه با رهبران نظام جمهوری اسلامی مأیوس شدند، به جنگ تحمیلی دامن زدند که خود می‌توانست تضعیف نظام تا نابودی کامل هویت دینی و ملی (اسلامی-ایرانی) را در بر داشته باشد. البته در این راه، دشمن از هیچ حربه‌ای فرو نگذاشت، اما آنچه که مسلم بود، رشادت‌ها و ایثار جوانان و مردم ایران زمین به مدد عقیده و ارزش‌هایی که از انقلاب به دست آورده بودند، مانعی بزرگ بر سر راه اهداف آن‌ها شد و چیزی جز ناکامی و شکست در حوزهٔ استراتژی‌های نظامی برای آن‌ها در بر نداشت. بدین ترتیب دشمن زخم خورده از شکست در حوزه‌های نظامی به فکر راه‌های پنهانی‌تر و البته کشنده‌تری برای نابود سازی نظام افتاد. در این دوره، استحاله از درون و تهی‌سازی معانی ارزشی جامعه، مهم‌ترین هدف دشمن قرار گرفت. تهاجم فرهنگی و شبیخون فرهنگی درست از سال ۱۳۶۸ یعنی پایان جنگ تحمیلی ایران و عراق آغاز شد. لذا دشمن در راستای تحقق راهبرد «استحاله هدفمند هویت‌های ملی جامعه ایرانی»، استفاده از پیشرفت فناوری ارتباطی نظیر ماهواره و اینترنت را در دستور کار خود قرار داد. به عبارت دیگر، با استفاده هدفمند دشمن از تمدن جدید و روبرو شدن جامعهٔ ایرانی با قدرت افزون‌کنندهٔ دنیای صنعتی و شیفستگی آنان به دستاوردهای این تمدن، دوران حیرانی و پریشانی جامعهٔ ایرانی آغاز گردید. در شرایطی که استکبار جهانی به فرماندهی آمریکا، فرهنگ و جوانان ما را هدف قرار داده است و با ترویج و تحمیل فرهنگ غربی از طرق مختلف و به کمک ابزار گوناگون سعی در تخریب هویت فرهنگی، ملی و ایمانی جوانان و جایگزین کردن آن با هویت غربی دارد، جوانان ما باید با حفظ هوشیاری کامل آگاهی لازم را نسبت به توطئه‌گری‌های فرهنگی-سیاسی غرب، به دست آورند. در این راستا، هشدارها و رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدّ ظله - العالی) بسیار آموزنده و سرنوشت‌ساز می‌باشد. ایشان، جوانان را از الگوپذیری از غرب بر حذر می‌دارند و خطر تلاش‌های هماهنگ و برنامه‌ریزی شدهٔ صهیونیست‌ها، آمریکایی‌ها و سرمایه‌داران بین‌المللی را برای گسستن جوانان از فرهنگ و هویت ایرانی-اسلامی گوشزد می‌کنند. معظم له، فرهنگ‌سازی برای جوانان مسلمان ایرانی را یکی از اهداف عمدهٔ رسانه‌های گروهی غرب برشمرده، ضمن انتقاد از آن دسته از گروه‌ها و عناصر داخلی که گفتار رسانه‌های بیگانه را تکرار می‌کنند، می‌فرمایند: «آن‌ها تلاش می‌کنند که با نفی تاریخ و مفاخر ملت، جوان ایرانی را تحقیر کنند تا در مرحلهٔ بعد جوانان کشور، پذیرای الگوهای فرهنگی غرب گردند». رهبر معظم

انقلاب اسلامی (مدّ ظله العالی) بازشناسی هویت اسلامی- ایرانی را از مهمترین نیازهای امروزی جوانان دانسته، می‌فرماید: «جوان ایرانی حقیقتاً باید بیدار باشد و از هویت خود در برابر هجوم فرهنگ غربی دفاع صحیح کند» (۱۳۸۰/۲/۱۲).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحول ساختاری به مفهوم ایجاد مراکز، نهادها و سازمان‌های فرهنگی هم‌راستا با فرهنگ اسلامی- ایرانی (مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی، سپاه و بسیج به عنوان نهادهای منادی ترویج و تعمیق فرهنگ و تفکر بسیجی)، از یک سو، و تغییر ماهیت عملیاتی در سازمان‌هایی مانند آموزش و پرورش، صدا و سیما و... از دگر سو، انتظار می‌رود که با ترویج فرهنگ اسلامی، بُعد هویت اسلامی در ترکیب هویتی جوانان، وجه غالب گردد. اما آنچه که در ظاهر پیداست، توسعه هویت غربی است و این گرایش، عمدتاً در نوع پوشش، مدل لباس، مدل مو، رفتار، گفتار، سفرهای سیاحتی خارج از کشور و سبک زندگی جوانان شهر یاسوج مشهود است. لذا این مقاله در صدد است عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت جوانان شهر یاسوج را مورد بررسی قرار دهد. مطالعه و تحقیق در این موضوع موجب فراهم نمودن شناخت ماهیت، ساختار، گرایش‌ها، قابلیت‌ها و توانمندی‌های جوانان شهر یاسوج، امکان شناخت عوامل انحراف جوانان و قابلیت‌های بازدارندگی دینی، ملی و قومی، تعیین نقش و جایگاه قوم لر و جوانان یاسوج در مدیریت کشور، موجبات توسعه حوزه‌های دانشی دانش‌پژوهان و فراهم کردن قابلیت‌ها و توانمندی‌های این قوم در برنامه‌ریزی توسعه کشور و همچنین زمینه‌ساز طراحی الگوی سبک زندگی اسلامی- ایرانی خواهد شد. از سوی دیگر، در بُعد عملی انجام این تحقیق موجب فراهم نمودن امکان تصمیم‌گیری مطلوب در خصوص برنامه‌ریزی در راستای رشد فرهنگی جوانان شهر یاسوج، امکان زمینه‌سازی لازم برای تدوین جایگاه و الگوی سبک زندگی متناسب با ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی، امکان شناسایی و تبیین ماهیت فرهنگی و اجتماعی و همچنین احصای نقاط ضعف و قوت، تهدیدات و فرصت‌های فرهنگی و اجتماعی جوانان شهر یاسوج می‌شود. هدف اصلی تحقیق، تعیین و شناسایی ترکیب هویت جوانان شهر یاسوج و عوامل مؤثر بر آن است. در راستای تحقق هدف اصلی اهداف فرعی زیر مطرح است:

۱. تعیین شاخص‌های هر یک از ابعاد اسلامی، ایرانی، قومی و غربی در شکل‌گیری هویت جوانان شهر یاسوج.
۲. تعیین سهم هر یک از ابعاد اسلامی، ایرانی، قومی و غربی در هویت جوانان شهر یاسوج.

مبانی نظری

در فرهنگ لغت معین، «هویت» یعنی آنچه که باعث تشخیص فرد می‌شود. از این مفهوم پیداست که هویت، حقیقت و چیستی و هستی را می‌رساند. هویت یک پدیده، نشانگر هیئت و ماهیت وجودی آن ذات است. به عبارت دیگر، چیستی و حقیقت پدیده مورد نظر، هویت آن را می‌رساند و می‌تواند به صورت فردی یا جمعی باشد.

در واقع، هویت یک کاربرد دوگانه دارد. از سویی مبتنی بر شباهت‌هاست و از سویی بر تفاوت‌ها تأکید دارد. هویت در نحوه پاسخ دهی به سؤال «من کیستم؟» مشخص می‌شود که در پاسخ به آن «من هستم» بروز می‌یابد. هویت به این معنی است که من چگونه خود را می‌بینم و چگونه دیگران را می‌بینم. پس هویت، شامل دو بُعد درونی و بیرونی می‌شود. اولین و قدیمی‌ترین مفهوم هویت ایرانیان می‌باشد که احساس تعلق به موقعیت جغرافیایی خاص، زبان فارسی، ادبیات مکتوب، اسطوره‌ها و همراه با آگاهی مشترک نسبت به سابقه، تاریخ آن جامعه که همواره با احساس غرور و وفاداری همراه است، قدمت این هویت به عنوان پدیده‌ای فرهنگی به زمامداری کوروش و شکل‌گیری ایرانا (سرزمین مقدس آریاییان) مربوط می‌شود (امام جمعه، ۱۳۸۶: ۶). یکی از محققان در این باره می‌گوید: «معمولاً اجماع بر سر این است که زمانی که زبانی داریم که با زبان ملی متفاوت است و مجموعه‌ای از سنت‌های فرهنگی، پیشینه فرهنگی و پهنه سرزمینی داشته باشیم، این مجموعه را می‌توان یک قومیت دانست.» در چنین حالتی در ایران، اقوام متعددی وجود دارد؛ مثل قوم ترک، لر، کرد، بلوچ، آذری، گیلکی، ترکمن، عرب؛ پس نقش زبان در اینجا بسیار پررنگ است و یک عامل مهم هویت‌ساز برای قومیت‌ها است. هویت قومی، مجموعه خاصی از عوامل عینی، ذهنی، فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و نفسانی است که در یک گروه انسانی متجلی می‌شود و آن را نسبت به دیگر گروه‌ها متمایز می‌سازد؛ زیرا که این هویت باید با واقعیت همین گروه منطبق باشد. به نظر عارف (۱۳۸۹) هویت اسلامی عبارت است از: «حقیقت جزئیة ما + مؤلفه‌های اصلی مسلمانی» و میزان قوت و استحکام این هویت به هماهنگی و انسجام و سازگاری مؤلفه‌ها و اجزای تشکیل دهنده آن‌ها با عالم خارج بستگی مستقیم دارد.

ابعاد و عناصر سازنده هویت ملی

همان‌گونه که از تعریف هویت ملی بر می‌آید، این مفهوم دارای عناصر سازنده‌ای می‌باشد. از جمله مهم‌ترین آن‌ها، می‌توان به ارزش‌های ملی، دینی، جامعه‌ای و انسانی اشاره کرد. ارزش‌های ملی، تمامی مشترکات فرهنگی اعم از؛ سرزمین، زبان، نمادهای ملی، سنت‌ها

و ادبیات را شامل می‌شود؛ ارزش‌های دینی، تمام مشترکات دینی و فرهنگ دینی را شامل می‌شود؛ ارزش‌های جامعه‌ای به اصول، قواعد و هنجارهای اجتماعی نظر دارد، و ارزش‌های انسانی، به کلیه‌ی اصول و قواعد انسانی، فارغ از هر گونه محدودیت اجتماعی و جغرافیایی برای نوع بشر نظر دارد (روپسینگه، ۱۳۷۹: ۱۲۵). البته در میان اندیشمندان علوم سیاسی، اجتماعی، جغرافیا، تاریخ و غیره، درباره‌ی اصالت هر یک از ارزش‌های فوق نسبت به دیگری، اختلاف نظر وجود دارد. هویت ملی در بُعد سیاسی، در صورتی شکل می‌گیرد که افرادی که از لحاظ فیزیکی و قانونی، عضو یک نظام سیاسی هستند و داخل مرزهای ملی یک کشور زندگی می‌کنند و موضوع یا مخاطب قوانین آن کشور هستند؛ از لحاظ روانی هم خود را اعضای آن نظام سیاسی بدانند (معمار، ۱۳۷۸: ۴۲). علی‌رغم تأثیر انکارناپذیر ابعاد فوق در هویت ملی، و با وجود شدت یافتن فرایندهای توسعه و نوسازی، مذهب در تمام ابعاد خود، هم‌چنان منبع مهمی برای هویت و معنابخشی در جهان متجدد و آشفته به شمار می‌رود. شاخص‌های مهم هویت عمومی به شعایر، مناسک و نهادهای دینی و بالأخره مشارکت و تمایل عملی به ظواهر و آیین‌های مذهبی و دینی می‌شود (روپسینگه، ۱۳۷۹: ۱۲۵). بعد فرهنگی هویت ملی نیز از مهم‌ترین اجزای هویت ملی یک جامعه است که سبب توافق فرهنگی می‌شود؛ زیرا فرهنگ و میراث فرهنگی یک ملت، کلیت زنده و پویای خلاقیت انسانی آن ملت است، که به نحوی خودآگاه یا ناخودآگاه، آن ملت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شاخص‌های مهم این بعد شامل: آئین‌ها و سنت‌های عام؛ جشن‌ها و اعیاد؛ ارزش‌های سنتی؛ لباس و طرز پوشش؛ معماری بناها و مکان‌ها؛ رسوم؛ عرف و هنرهای ملی و بومی هستند.

عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به هویت غربی

در دین الهی هیچ عنصر گریزاننده وجود ندارد؛ اگر انسان‌ها به دریافت معارف دینی و درک صحیح از دین حق نائل آیند، هرگز از دین نمی‌گریزند. افزون بر این، عقل و عشق - هر دو - در متن دین جای دارند. دین هم ذهن و خرد انسان را تغذیه می‌کند و هم به دل آدمی حیات، حرکت و نشاط می‌بخشد. بنابراین، علت دین‌گریزی را باید در خارج از قلمرو دین حق و آموزه‌های دینی جستجو کرد. بدون تردید، عوامل متعددی در بروز دین‌گریزی نقش دارند که در این تحقیق به بخشی از آن‌ها اشاره می‌گردد. هر فردی با مراجعه به زندگی جوانان و مطالعه رفتارهای اجتماعی آن‌ها، این مسأله را به صورت ملموس در خواهد یافت که در سال‌های اخیر و به خصوص پس از پایان هشت سال دفاع مقدس، گرایش به فرهنگ بیگانه و فرهنگ غربی در بین جوانان ما، رشد صعودی یافته

است و گروه‌هایی از جوانان به علل گوناگون از دین و فرهنگ حالت گریز پیدا کرده‌اند، به گونه‌ای که وقتی در بین برخی از آن‌ها از دین و فرهنگ خودی سخن به میان می‌آید، به صورت علنی، بی‌میلی و بی‌علاقگی خود را به دین اظهار می‌کنند. البته باید اذعان کرد که این انکار و زدگی از دین به خاطر خود دین نیست، بلکه علل این مسأله، بیشتر به رفتارهای دین‌داران و مدعیان دین از یک طرف و گستره ترویج فرهنگ غربی با استفاده از جاذبه‌های کاذب و کوتاهی دستگاه‌های فرهنگی کشور از طرف دیگر بر می‌گردد. با توجه به اوصافی که از جوان و دوران جوانی ارائه گردید، برخی از عوامل کلی در دین‌گریزی جوانان را به شرح زیر می‌توان اشاره نمود:

الف) تهاجم سازمان یافته فرهنگی دشمن

دشمن برای دور ساختن جوانان از دین، از انواع راه‌ها و شیوه‌ها استفاده می‌کند و به هر ترفندی دست می‌زند. در زیر به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. تضعیف باورها و اعتقادات دینی؛ جوانان آینده‌سازان کشورند و اگر خوب تربیت شوند و باورهای دینی را در قلب پاک خویش پیروانند، هادیان جامعه خواهند بود. شور و نشاط جوانان وقتی با فرهنگ پاک و پویای اسلام عجین شد، آنگاه به بار خواهد نشست و همگان از ثمرات آن بهره‌مند خواهند گردید. دشمنان اسلام این نکته را خوب می‌دانند، از این رو، «باورهای اسلامی» را مورد حمله قرار می‌دهند و می‌کوشند از هر طریق اعتقادات مذهبی را در وجود جوانان سست و کم رنگ کنند؛ زیرا با وجود فرهنگ اسلامی - که با فطرت بی‌آلایش جوانان سازگار است - جای هیچ نفوذی برای فرهنگ بیگانه نیست.

مقام معظم رهبری از این توطئه شوم، چنین نقاب بر می‌گیرند:

«یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوانان مؤمن را از پای‌بندی‌های متعصبانه به ایمان - که همان چیزی است که یک تمدن را نگه می‌دارد - منصرف کنند؛ مانند همان کاری که در قرن‌های گذشته در «اندلس» کردند؛ جوان‌ها را ریختند در عالم فساد، شهوت‌رانی و می‌گساری. این کارها در حال حاضر دارد انجام می‌گیرد».

۲. ارائه معیارهای فرهنگ غرب: از دیگر شیوه‌های عملی دشمن در جهت نابودی فرهنگ ملی و اسلامی کشور ما، ارائه معیارهای ارزشی فرهنگ غرب و القای آن بر افراد جامعه است؛ رفاه مادی، بهره‌جویی و لذت بردن بی‌حد و لجام گسیخته در زندگی و سرانجام، زندگی در چارچوب حیات مادی و حیوانی به دور از معنویات و اخلاق و انسانیت؛ تمام تلاش‌های آنان پیرامون محور مادی بودن انسان و به عبارتی، بسیج همه امکانات در مسیر لذت بیشتر، سیر می‌کند. از این رو، انسان با معنویت و باتقوا را چنانچه از سرمایه‌های مادی بی‌بهره باشد، انسانی مرتجع و غیر متمدن می‌دانند؛ ولی انسان بی‌بندوبار، رفاه

طلب، سودجو، ثروت‌اندوز، چپاولگر، بی‌دین و لا مذهب را انسانی متمدّن، متشخص و هماهنگ با زندگی مدرن امروزی معرفی می‌کنند.

۳. اشاعه فساد، ابتذال و بی‌بندوباری: پرورش روح انسان بدون محدود کردن شهوت، امکان‌پذیر نیست و انسان وقتی شهواتش، عنان گسیخته باشد، مانند حیوانات می‌شود و در این صورت، راه رشد انسانی برای رسیدن به کمالات مسدود می‌گردد. از این رو، اسلام، به خصوص برای ارضای غریزه جنسی، ضابطه، قاعده، حدود و قیود تعیین کرده است. بر همین اساس، یکی از راه‌های آسان و ساده مبارزه با نفس دین در یک جامعه، باز کردن راه عنان گسیختگی شهوات است؛ یعنی همان کاری که انگلیسی‌ها در ادوار گذشته در ممالک اسلامی انجام دادند و جوانان را در عالم فساد و می‌گساری غرق کردند.

۴. ارائه الگوهای غربی: اصولاً کارکرد اساسی و وظیفه اصلی استعمار فکری این است که افراد و ملت‌های زیر سلطه، شخصیت اصلی خویش را از دست داده و به صورت جزئی از کشور استعمارگر درآیند، آن هم جزئی که اصول تفکر و فرهنگ اصیل استعمارگر را به صورت بهترین ارمغان و یا حتی به شکل وحی مُنزل آسمانی، پذیرا شده و آن را معلم مطلق فرهنگ، دانش، اخلاق و همه چیز خود بدانند. کوتاه سخن اینکه به برتری بی‌چون و چرای فرهنگ و دانش و آداب و رسوم آن اعتراف نماید.

۵. تخریب و ترور شخصیت‌های دینی و مذهبی: قهرمانان و شخصیت‌های واقعی هر ملت، از عوامل پویایی و بالندگی آن ملت محسوب می‌شوند. آنان چون قُلل رفیع در بین جامعه درخشیده و نسل‌های جدید را به تلاش و کوشش و مجاهدت فرا می‌خوانند. دشمنان با گستردن دام‌های گوناگون سعی در تطمیع و تخریب آنان داشته و در صورت عدم موفقیت، با نشر شایعات و اکاذیب به ترور شخصیت افراد مؤثر می‌پردازند و در نهایت، برای تحقق اهداف شوم خویش دست خود را به خون پاک برگزیدگان و اندیشمندان و مجاهدان ملت آغشته می‌سازند که تاریخ انقلاب اسلامی ما نمونه‌های فراوانی از این نوع ترندها در دل خود جای داده است.

۶. استفاده ابزاری از گروه‌های مذهبی: یکی از روش‌های دیرین دشمن برای بسط سلطه خویش، استفاده از اعتقادات انحرافی در برابر عقاید ارزش‌های اصیل است. آنان در تلاش‌اند تا مذهب را که عامل بیداری، پویایی، ظلم‌ستیزی، عدالت‌گستری و تأمین‌کننده سعادت دنیا و آخرت است، به عامل تخدیری، انفرادی، انزواطلبی، ظلم‌پذیری، واپس‌گرایی و رهبانیت تبدیل نمایند و به تعبیر امام راحل (قدس سره)، اسلام ناب محمدی را به اسلام آمریکایی مبدل سازند (همان: ۱۲۶).

ب) ناسازگاری میان قول و عمل مدعیان دین

مسأله دیگری که به عنوان عامل دین‌گریزی مطرح است اعمال خلاف کسانی است که نسل جوان به عنوان الگو بدان‌ها توجه می‌کنند. این امر، بسیار مهم و خطرناک است و عامل دین‌گریزی آن‌ها می‌شود. جوانان با مشاهده کسانی که قول و عملشان یکی نیست و در عین حال، دعوت به دین‌داری می‌کنند، از خود می‌پرسند: اگر اسلام خوب و ارزشمند است، چرا مدعیان آن، بدان عمل نمی‌کنند؟

آن‌ها می‌گویند: چرا این مدعیان دین فقط ما را به عمل به دستورات دینی توصیه می‌کنند، حال آنکه خودشان فرسنگ‌ها با دین و احکام دینی فاصله دارند؟

جوان چون هنوز از پختگی لازم در مورد دین، برخوردار نیست و به آن حد از شناخت و عرفان مذهبی نرسیده است تا لغزش افراد را به حساب خود آن‌ها بگذارد نه دین و مذهبشان، به محض دیدن خلاف و اشتباه در اعمال الگوها و کسانی که به طرف دین دعوت می‌کنند، آن را به حساب دین و اخلاق و فضیلت می‌گذارد و از این رو، تمام دیدگاه‌ها و آرزوهایش به یک‌باره فرو ریخته، نسبت به همه چیز بدبین می‌شود. از همین روست که می‌گویند لغزش الگو و کسی که به عنوان منادی دین مطرح است، خطرناک‌ترین وضع برای نسل جوان است. برای افرادی که دین و مذهب، کاملاً برایشان جا افتاده باشد، این مسائل، مشکلاتی را ایجاد نمی‌کند؛ زیرا آن‌ها می‌دانند که هر شخص ممکن است دچار خطا و اشتباه گردد و یا ممکن است هوای نفس بر شخص غالب شود و اعمالی را بر خلاف دین و مذهب مرتکب گردد. از این رو، کارهای چنین فردی را به حساب دین او نمی‌گذارند. ولی جوانی که تازه می‌خواهد دین را انتخاب کند و بدان معتقد شده و به این وسیله از الگوهای مذهبی پیروی نماید، آن را به حساب دین گذاشته و چنین تصور می‌کند که تمام دین همین است. در این باره می‌توان گفت که الگوهای زنده و مشهور باید در مورد هدایت نسل نو احساس مسئولیت و مواظبت بیشتری کنند و از سوی دیگر، به نسل جوان اصالت دین من‌های افراد تفهیم گردد تا با فرو ریختن و یارزش یک الگو، جوان این را به حساب فرو ریختن دین و اخلاق نگذارد.

ج) گرایش طبیعی انسان‌ها به رهایی از قید و بندها

انسان به‌طور طبیعی به دنیاطلبی و راحت‌طلبی بیشتر علاقه دارد تا حرکت به سوی خدا. این یک امر غریزی است. خوردن و خوابیدن برای انسان، راحت‌تر از این است که کارهای سخت انجام دهد. میل طبیعی به مادی‌گری و دنیاطلبی در انسان وجود دارد و هر جامعه‌ای که در این جهت، زمینه بیشتری داشته باشد، مردمش به آن سمت بیشتر کشیده خواهند شد. در جامعه خودمان هم به همین صورت است؛ اگر چیزهایی که جوانان

دوست دارند برایشان فراهم شود، زودتر به آن نزدیک می‌شوند. بنابراین، دنیاطلبی ریشه در طبیعت انسان دارد و این‌طور نیست که غرب، کاری عجیب و غریب کرده باشد یا معجزه‌ای رخ داده باشد که موجب شده همه به آن جذب شوند؛ این طبیعی است که اگر کسانی آن محیط را بیسندند و بخواهند خواسته‌های خودشان را ارضا کنند، وقتی ببینند جای دیگر ارضا نمی‌شود، به سراغ آنجا بروند. این نکته نشان می‌دهد که ما در جامعه خود باید در کنار توجه به رشد معنوی و تعالی افراد، سعی کنیم جاذبه‌های مادی را فراهم کنیم، تفریح‌های سالم به اندازه کافی ایجاد نماییم و زمینه‌های ارضای نیازهای مادی را فراهم آوریم.

د) محدودیت‌های اعمال شده از سوی خانواده

استقلال طلبی، حرّیت و عدالت جویی، از ویژگی‌های بارز دوره جوانی است. جوانان برای اثبات این ویژگی‌ها، با بزرگسالان مقابله می‌کنند. این مقابله نه از سر لجبازی و پشت پا زدن به ارزش‌هاست، بلکه بیشتر جنبه اثباتی برای خود جوان دارد. یکی از اشتباهاتی که در این زمینه از بزرگسالان سر می‌زند، سرزنش و ملامت جوان است. این سرزنش‌ها هم از نظر عاطفی برای جوان مضرّ است و هم به روحیه استقلال طلبی او آسیب وارد می‌کند و نتیجه آن، برافروختن آتش لجاجت و طغیان است. بنابراین، مقابله با روحیه استقلال طلبی جوان و سرزنش کردن افراطی او، پیامدهای خطرناکی به دنبال دارد. یکی از پیامدهای ناگوار آن، طغیان علیه ارزش‌های حاکم بر جامعه، گریز از ارزش‌ها و منبع آن‌هاست و چون معمولاً در جوامع دینی منشأ و منبع ارزش‌ها، «دین» است، این مسأله به دین-گریزی می‌انجامد.

ه) وجود شبهات دینی در بین جوانان و عدم پاسخ صحیح به آن‌ها

یکی از موارد ضروری، شناخت دردها و دغدغه‌های فکری نسل جوان است. باید دانست که این دردها همیشه نشانه بیماری نیست، بلکه نشانه بیداری نیز هست. پس از شناسایی دردها باید به درمان آن‌ها پرداخت و در هنگام درمان باید برخورد مناسب و منطقی داشت؛ زیرا عدم برخورد منطقی و درست، نسل جوان را به انحرافات گوناگون از جمله انحرافات فکری می‌کشاند و ممکن است آن‌ها را به دامن مکاتب و اندیشه‌های الحادی سوق دهد. شهید مطهری، یکی از علل گرایش نسل جوان به مکاتب الحادی، چه در مسیحیت و چه در جوامع اسلامی را پاسخ غیر منطقی و غیر معقول به نیازها و سؤالات این نسل و نیز برخوردهای منفی با این نسل می‌داند. از این رو، معتقد است که باید از طرد این نسل دوری گزید و تلاش کرد تا برای سؤالات دینی و نیازهای اساسی این نسل پاسخ‌های معقول، منطقی و حقیقی بیابند.

ایشان رمز انحرافات نسل جوان را در عدم پاسخ‌گویی به نیازهای او می‌داند و می‌فرماید: ریشه بیشتر انحرافات دینی و اخلاق نسل جوان را در لابه‌لای افکار و عقاید آنان باید جست. فکر این نسل از نظر مذهبی چنان‌که باید راهنمایی نشده است و از این نظر، فوق‌العاده نیازمند است.

کلانتری و همکاران در پژوهشی به بررسی هویت دینی و جوانان پرداختند. جامعه آماری، دانش‌آموزان مقطع سال سوم متوسطه نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز هستند که نمونه‌ای ۴۰۰ نفره شامل دختران و پسران مورد مطالعه را در بر می‌گیرند. نتایج نشان داده ۸۸ درصد دانش‌آموزان دارای هویت دینی قوی هستند و تنها ۴ درصد پاسخگویان، در این حوزه دارای مشکل یا بحران هویتی هستند. از میان متغیرهایی که تأثیر مستقیم بر هویت دینی دارند، متغیرهای شکاف ارزشی و رویکرد مثبت به غرب، یک رابطه معنادار منفی، و متغیرهای احساس تعلق به جامعه و روایت هویت ملی یک رابطه معنادار مثبت با هویت دینی دانش‌آموزان دارند. مشروعیت نظام سیاسی نیز فاقد معناداری است. با حذف مسیرهای اثر غیر معنادار، اثرات غیرمستقیم (مکانیزمی) متغیرهای مقدم عبارتند از:

۱. شکاف ارزشی، هویت دینی
۲. فردگرایی، اعتقاد به مشارکت اجتماعی، عضویت در مقولات اجتماعی، احساس تعلق به جامعه، هویت دینی
۳. فردگرایی، اعتقاد به مشارکت اجتماعی، شرکت در فوق برنامه‌ها، عضویت در مقولات اجتماعی، احساس تعلق جامعه به هویت دینی
۴. استفاده از رسانه‌های گروهی، روایت هویت ملی، هویت دینی
۵. برنامه درسی مدارس، روایت هویت ملی، هویت دینی
۶. رویکرد مثبت به غرب، هویت دینی

با بررسی نتایج مشخص می‌شود بیشتر دانش‌آموزان دارای هویت دینی بالایی هستند به طوری که تنها ۴ درصد دانش‌آموزان دارای هویت دینی ضعیف هستند. هویت دینی یکی از اجزای اساسی هویت هر شخص به حساب می‌آید؛ زیرا هر فرد در تعریف خود، مذهب خود را نیز بیان می‌دارد و خود را با آن تعریف می‌کند مثل مسلمان، مسیحی، یهودی بودن و... بیش از ۹۴ درصد دانش‌آموزان، خداوند را ناظر اعمال خود می‌بینند و در بُعد اعتقادی به خداوند ایمان دارند، نزدیک به ۸۰ درصد آن‌ها هرگاه فرصتی پیش بیاید به زیارت اماکن مقدس می‌روند. دانش-آموزان، دین را با وجود پیشرفت علم برای زندگی مهم می‌دانند. روی هم رفته، هویت دینی دانش‌آموزان در حد بالایی است و بیشتر

دانش‌آموزان، دارای اعتقادات دینی بالایی هستند.

تحقیقی توسط نواح و تقوی‌نسب در زمینه آسیب‌شناسی مسائل قومی در ایران که مورد مطالعه آن، عرب‌های ساکن شهرستان اهواز است، انجام شد. نمونه آماری این تحقیق، ۳۸۴ نفر زن و مرد عرب ۱۸ تا ۶۵ سال ساکن شهرستان اهواز است. داده‌های تحقیق توسط پرسشنامه و به صورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای جمع‌آوری شد. نتایج حاصل از تحلیل دو متغیر داده‌ها نشان می‌دهد که ۲۱ متغیر از ۲۲ متغیر مستقل (به جز ارتباط با خارج از کشور) با هویت قومی رابطه معناداری دارند. همچنین رابطه هویت قومی و هویت ملی در جهت منفی با مقدار برابر ۰٫۵۸۶، مورد تأیید قرار گرفته است. در بعد پیامدها، کاهش هویت ملی، مهم‌ترین پیامد هویت قومی در بین پاسخگویان بوده است. دو متغیر گرایش به خود مختاری و گرایش به خشونت نیز از جمله پیامدهای هویت قومی است. در تحلیل دو متغیر، بیشترین مقدار همبستگی با متغیر هویت قومی را به ترتیب، متغیرهای ۱. رضایت از نظام سیاسی، ۲. احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی، ۳. احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی داشتند. در تحلیل چند متغیر نیز متغیرهای احساس محرومیت نسبی در بُعد سیاسی و احساس محرومیت نسبی در بُعد اقتصادی، به ترتیب در مرحله اول و دوم بر هویت قومی تأثیرگذار بودند.

میرسارد و همکاران (۱۳۸۷) در تحقیقی به بررسی تعیین عوامل اجتماعی و فرهنگی در دوری‌گزینی جوانان از الگوهای فرهنگی بومی، ملی و گرایش به الگوهای فرهنگی غربی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که هرچه جوانان از عواقب گرایش به فرهنگ غربی آگاهی بیشتری داشته باشند، به مقدار ۶۱ درصد گرایش آنان به فرهنگ غربی کمتر می‌شود. هرچه جوانان در خانواده با گسیختگی ساختار خانواده مواجه باشند، به همان اندازه، گرایش آنان به فرهنگ غربی بیشتر می‌شود. هرچه جوانان در معرض رسانه‌های خارجی باشند و بیشتر از آن‌ها استفاده کنند، به همان اندازه گرایش آنان به فرهنگ غربی بیشتر می‌شود. هرچه جوانان با گروه‌های مرجع و همسالان خود ارتباط بیشتری داشته باشند، به همان اندازه گرایش آنان به فرهنگ غربی بیشتر می‌شود.

ذبیح‌زاده (۱۳۹۲) در پژوهشی تحت عنوان «سنجش هویت‌های اسلامی، ایرانی و مدرن در دو نسل از اعضا سپاه پاسداران و بسیج انقلاب اسلامی»، به دنبال ساخت و اعتباریابی ابزاری مناسب جهت سنجش اشکال سه‌گانه هویت در فرهنگ ایرانی است و در ادامه به سازمان‌یافتگی این اشکال از هویت در دو نسل را مورد بررسی قرار داده است. وی برای این منظور از دو روش آزمون؛ غیر مستقیم (آزمون تداعی ضمنی (IAT) و روش مستقیم و سطح آشکار (پرسشنامه) استفاده نموده است. به منظور بررسی روایی آزمون ساخته شده

از ضریب آلفای کرونباخ و ضریب تنصیف استفاده گردیده است. نتایج تحقیق نشان داد که نمره بیشتر افراد در این قسم از گرایش هویتی یعنی هویت اسلامی با افسردگی، اضطراب و تنیدگی پایین تر همبسته است. علاوه بر رابطه فوق الذکر در زمینه هویت ایرانی و میزان اضطراب نیز صادق است. مضاف بر موارد اشاره شده، شاخص ضریب همبستگی پیرسون بین گرایش هویت مدرن با خرده مقیاس های افسردگی و اضطراب نیز مثبت و معنادار بوده است؛ به عبارت دیگر، نتایج نشان داده است؛ نمره بیشتر افراد در این قسم از گرایش هویتی یعنی هویت مدرن با افسردگی و اضطراب بالاتر همبسته است. تفاوت دو گروه نسل جوان و بزرگسال عضو بسیج و سپاه پاسداران هم در سطح نگرش آشکار و هم در سطح نگرش ضمنی فقط در مورد بعد مدرن معنادار است؛ حال آنکه در دو نسل تفاوتی در ابعاد هویت اسلامی و ایرانی مشاهده نشده است. یعنی هم در نسل بزرگسال و هم در نسل جوان عضو بسیج و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، روند گرایش به هویت اسلامی نسبت به دو قسم دیگر هویت (ایرانی و مدرن) بیشتر بوده است و این نسبت، در مورد هویت ایرانی در مقایسه با هویت مدرن صادق بوده است. لیکن در نسل جوان عضو بسیج نمرات هویت مدرن همسو با نمرات هویت اسلامی و ایرانی بالا بوده است.

با توجه بررسی های انجام شده عوامل مؤثر بر شکل گیری هویت جوانان را می توان به عوامل زیر تقسیم کرد:

۱. عوامل خارجی

منظور از عوامل خارجی، نظامات طراحی، ترویج و تعمیق ارزش ها و هنجارهای فرهنگی بیگانه است که تلاش می کند از طرق مختلف و با ایجاد جذابیت های مختلف هنری، جنسی، فیزیکی و... جوانان را جذب هویت غربی نماید و نسبت به هویت اسلامی، ایرانی و قومی بیگانه نماید.

۲. عوامل داخلی

منظور از عوامل داخلی، وجود ضعف های ساختاری در نظام فرهنگی و آرایش عملکرد ساختار فرهنگی است به گونه ای که موجب پدید آمدن مشکل انسجامی در ساختار فرهنگی به شکل های ذهنی، عینی، رابطه ای و عضویتی شود. در تعریف ضعف ساختاری در نظام فرهنگی دو بُعد در نظر گرفته شد:

بُعد داخلی شامل:

۱. فعال نبودن گروه ها و نهادهای فرهنگی (انجمن اسلامی، بسیج دانش آموزی، هیئت های عزاداری و مداحی، کانون قرآن و...) در محیط تحصیلی و زندگی فرد و بی اطلاعی افراد از وجود آن.

۲. چگونگی همکاری و عدم همکاری افراد با گروه‌ها و نهادها.

۳. استفاده نکردن از رسانه‌های داخلی (روزنامه‌های داخلی، مجله‌های داخلی، رادیو، تلویزیون، سینما و ویدیو) است.

بعد خارجی، در برگیرنده مؤلفه‌هایی از قبیل:

۱. استفاده از رسانه‌های خارجی (روزنامه‌های خارجی، مجله‌های خارجی، رادیو و تلویزیون خارجی و اینترنت).

۲. مسافرت نزدیکان فرد به خارج از کشور (مسافرت خویشاوندان سببی و نسبی).

جدول شماره ۱- ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های هویت‌های اسلامی، ایرانی، قومی و غربی

اقسام هویت	ابعاد	مؤلفه	شاخص
هویت اسلامی	فرهنگی اعتقادی	زبان	یادگیری زبان عربی به عنوان زبان دین مطالعه آثار و کتب دینی با زبان عربی برای فهم دقیق‌تر معارف دینی و اسلامی
		هنر	ترویج و گسترش توشیح، نوحه‌سرایی و مداحی
		ورزش و تفریح	علاقه به ورزش‌هایی مانند شنا و اسب سواری سفر به عتبات عالیات، امام زاده‌ها و....
	اجتماعی	تمایل به حفظ یکپارچگی و شرکت در برنامه‌های جمعی	پاسداشت اعیاد و ایام‌الله در تقویم اسلامی و شرکت در مناسبت‌های مذهبی و فرهنگی
	سیاسی	درجه مشارکت‌پذیری احساس تعلق و عضویت	اعتقاد به نظام سیاسی مبتنی بر ولایت فقیه حفظ جلوه‌های ایثار و فداکاری و شهادت‌طلبی در دفاع از هویت اسلامی
	اقتصادی	شیوه تولید و اقتصاد	پرداخت وجوهات شرعی و شیوه‌های معیشت اسلامی
هویت ایرانی	فرهنگی اعتقادی	زبان	علاقه‌مند به یادگیری زبان و ادبیات فارسی، شعر، سرود و شاعری مطالعه کتاب‌های ایرانی در اوقات فراغت (شاهنامه، حافظ و....)
		هنر	علاقه به موسیقی اصیل ایرانی
		ورزش و تفریح	آموزش و ترویج بازی‌ها و ورزش‌های باستانی علاقه‌مند به بازدید اماکن باستانی و ایرانی (تخت جمشید، کوروش و...)

پژوهش‌های تاریخی	اجتماعی	تمایل به حفظ یکپارچگی و شرکت در برنامه‌های جمعی	پاسداشت مراسم و یادبود ایام و روزهای خاص تاریخ و فرهنگ ایرانی مانند چهارشنبه سوری، شب یلدا و....
	سیاسی	درجه مشارکت پذیری احساس تعلق و عضویت	احساس افتخار و سربلندی نسبت به ایرانی بودن آمادگی دفاع از مرز و بوم و کیان کشور
	اقتصادی	شیوه تولید و اقتصاد	تلاش و تعصب نسبت به مصرف کالای ایرانی و تولید داخل
پژوهش‌های فرهنگی	فرهنگی اعتقادی	زبان	یادگیری زبان لری به عنوان زبان مادری و پیشرفت مطالعه کتب محلی برای فهم دقیق تاریخ و رویدادهای قوم لر
		هنر و معماری	علاقه‌مند به نواها و موسیقی‌های محلی و لری
		ورزش و تفریح	علاقه‌مند به ورزش‌های بومی و محلی گذراندن اوقات فراغت و ایام تعطیل در پارک، آبشار و مکان‌های تفریحی شهر یاسوج
	اجتماعی	تمایل به حفظ یکپارچگی و شرکت در برنامه‌های جمعی	شرکت در برنامه‌ها و مناسبت‌های جمعی ایل و طایفه
	سیاسی	درجه مشارکت پذیری احساس تعلق و عضویت	دارای تعصب و غیرت برای دفاع از هویت و کیان قوم، ایل و طایفه احساس تعلق و افتخار به لر بودن
	اقتصادی	شیوه تولید و اقتصاد	تلاش در راستای کمک‌های عام‌المنفعه برای توسعه شهرستان
	فرهنگی اعتقادی	زبان	تلاش در یادگیری، آموزش و ترویج زبان انگلیسی علاقه‌مند به مطالعه کتاب‌ها و رمان‌های غربی
پژوهش‌های زبانی		هنر و معماری	علاقه‌مند به موسیقی و هنر غربی
		ورزش و تفریح	آموزش و استفاده از ورزش‌های غربی (بولینگ، بیلارد و...) علاقه‌مند سفر به کشورهای خارجی (در صورت داشتن اعتبار کافی)
	اجتماعی	تمایل به حفظ یکپارچگی و شرکت در برنامه‌های جمعی	شرکت در برنامه‌ها و مناسبت‌های غربی (کریسمس و....)
	سیاسی	درجه مشارکت پذیری احساس تعلق و عضویت	شرکت در میتینگ‌های طرفداران غربی‌ها احساس تعلق و عضویت نسبت به فرهنگ و هویت غرب
	اقتصادی	شیوه تولید و اقتصاد	خرید محصولات و کالاهای لوکس غربی

جدول شماره ۲- عوامل مؤثر بر ترکیب هویتی جوانان شهر یاسوج

ردیف	منشأ عوامل	معیار	شاخص
۱	عوامل داخلی (درونی)	اهداف	مبهم بودن اهداف فرهنگی نداشتن چشم‌انداز مشخص دستگاه‌های متولی فرهنگ عدم طراحی راهبردهای منطبق با اهداف انقلاب اسلامی
		سیاست‌ها	منطبق نبودن سیاست‌ها با اهداف در دستگاه‌های متولی فرهنگ
		برنامه‌ها	سلیقه‌ای بودن برنامه‌ها منطبق نبودن برنامه‌ها با نیازهای جوانان شهر یاسوج هم راستا نبودن برنامه‌ها با سیاست‌ها و اهداف
		اجرا	ضعف و ناکارآمدی دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی بیگانگی مبلغین ارزش‌ها با نیازهای جوانان شهر یاسوج کمبود اعتبار کمبود عناصر تبلیغی ماهر کافی نبودن مراکز ترویج و تعمیق فرهنگ و هویت اسلامی، ایرانی و قومی (مساجد، کتابخانه‌ها، سینما و...)
۲	عوامل خارجی (بیرونی)	مهاجرت	مسافرت و تردد به کشورهای خارجی دسترسی و ارتباط با مراکز علمی و فرهنگی خارج از کشور الگوگیری از شخصیت‌های فرهنگی و هنری بین‌المللی
		تهاجم فرهنگی غرب	استفاده از کالاها و خدمات وارداتی فرهنگی (محصولات هنری، مکتوب، دیجیتال، سرگرمی و...) سوء استفاده رسانه‌های جمعی در ترویج جاذبه‌های جسمی، جنسی و تحریک رفاه‌طلبی

متغیر وابسته، سبک هویت اسلامی، ایرانی و قومی و غربی جوانان شهر یاسوج به عنوان متغیر وابسته به شمار می‌رود. متغیرهای مستقل نیز عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر شکل‌گیری و گرایش جوانان شهر یاسوج به هویت اسلامی، ایرانی، قومی و هویت غربی به عنوان متغیر مستقل محسوب می‌گردد.

عوامل داخلی شامل: کمبود عناصر تبلیغی ماهر - کمبود اعتبار - مبهم بودن اهداف فرهنگی - نداشتن چشم‌انداز مشخص دستگاه‌های فرهنگی، منطبق نبودن سیاست‌ها

با اهداف، سلیقه‌ای بودن برنامه‌ها، ضعف و ناکارآمدی دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی و... عوامل خارجی شامل: سوء استفاده رسانه‌های غربی (اینترنت، ماهواره و...) در ترویج جاذبه‌های جنسی و تحریک رفاه‌طلبی، استفاده از کالاها و خدمات وارداتی فرهنگی (محصولات هنری مکتوب، دیجیتال، سرگرمی و...) الگوگیری از شخصیت‌های فرهنگی و هنری بین‌المللی و... به عنوان متغیر مستقل محسوب می‌گردد.

با توجه به مباحث مطرح شده، مدل مفهومی تحقیق را می‌توان به شکل زیر ترسیم کرد:



شکل شماره ۱- مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

تحقیق حاضر در پی توصیف و تبیین ترکیب هویت جوانان شهر یاسوج و عوامل مؤثر بر آن می‌باشد؛ لذا بر اساس نتایجی که از این تحقیق، به دست می‌آید و نوع کاربرد آنکه

چگونه مورد استفاده قرار گیرد این تحقیق از نوع کاربردی است. ابزار گردآوری اطلاعات و داده های آن، مطالعه مستندات و پرسشنامه است. از آلفای کرونباخ جهت بررسی پایایی پرسشنامه استفاده شد.

جدول شماره ۳- وضعیت پایایی پرسشنامه

نام متغیر	تعداد سؤال	مقدار آلفا
هویت اسلامی	۹	۰.۸۷۷
هویت ایرانی	۹	۰.۷۴۵
هویت قومی	۹	۰.۷۶۸
هویت غربی	۹	۰.۸۰۲
عوامل داخلی	۱۲	۰.۸۰۴
عوامل خارجی	۵	۰.۶۳۳

جامعه آماری و نمونه آماری این پژوهش را مدیران و نخبگان فرهنگی شهر یاسوج در استان کهگیلویه و بویر احمد تشکیل می دهند. با توجه به اینکه نمونه آماری متشکل از نخبگان و مدیران فرهنگی سازمان ها و دستگاه هایی (بسیج، سپاه، تبلیغات اسلامی، اساتید دانشگاه ها، ورزش و جوانان، صدا و سیما و...) است که از وضعیت جوانان شناخت دارند و آن ها را می شناسند از روش تمام شمار استفاده می شود و به شرح جدول زیر از مدیران فرهنگی شهر نظرخواهی و نظر سنجی به عمل آمد.

جدول شماره ۴- جامعه آماری تحقیق

ردیف	نام سازمان	تعداد	مسئولیت
۱	نواحی و معاونت های سپاه استان	۱۵	فرماندهان نواحی، حوزه ها، مدیران فرهنگی
۲	صدا و سیما	۱۱	معاونین و مدیران
۳	ارشاد و تبلیغات اسلامی	۹	معاونین و مدیران
۴	ورزش و جوانان	۱۴	معاونین و مدیران
۵	دانشگاه	۲۹	معاونت فرهنگی، اساتید

تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت توصیفی و استنباطی انجام گرفت. برای این منظور داده های این پژوهش پس از ورود به رایانه با نرم افزار آماری SPSS و آزمون های آماری متناسب با سؤالات پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف جهت بررسی توزیع متغیرها استفاده شد. از آزمون t تک متغیره و آزمون فریدمن نیز جهت بررسی وضعیت متغیرها و رتبه بندی استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

توزیع فراوانی سیمای پاسخگویان با توجه به متغیر جنس نشان می‌دهد که ۷۴,۴ درصد پاسخگویان مرد و ۲۵,۶ درصد زن بوده‌اند و پاسخ تعداد ۳ نفر هم مشخص نمی‌باشد. وضعیت سنی جامعه نیز نشان می‌دهد که ۳۰,۸ درصد پاسخگویان ۲۰ تا ۳۰ سال، ۴۳,۶ درصد ۳۱ تا ۴۰ سال و ۲۵,۶ درصد ۴۱ سال و بالاتر بوده‌اند و پاسخ تعداد ۳ نفر هم مشخص نمی‌باشد. وضعیت تحصیلات نیز نشان می‌دهد که ۷۵,۶ درصد پاسخگویان کارشناسی ارشد، ۶,۴ درصد دکتری، و بقیه بر اساس جدول فوق بوده‌اند، پاسخ تعداد ۳ نفر هم مشخص نمی‌باشد. نتایج میانگین و انحراف معیار متغیرهای تحقیق در جدول ۵ نمایش داده شده است.

جدول شماره ۵- آزمون کولموگروف- اسمیرنف برای آزمون نرمال بودن متغیرها

عوامل خارجی	عوامل داخلی	هویت غربی	هویت قومی	هویت ایرانی	هویت اسلامی		
۶۸	۶۸	۷۵	۷۶	۷۷	۷۵	تعداد	
۳,۵۷۰۶	۴,۱۴	۲,۷۴۳۷	۳,۷۳۶۸	۳,۴۲۸۶	۲,۹۸۸۱	میانگین	پارامترها
۰,۶۳۵۵۳	۰,۵۰۴۹۷	۰,۶۶۴۴۰	۰,۵۴۶۰۹	۰,۵۱۰۶۸	۰,۶۸۹۲۰	انحراف از معیار	
۰,۱۰۶	۰,۰۶۲	۰,۰۹۷	۰,۱۰۴	۰,۱۳۷	۰,۰۹۶	مقدار مطلق	بیشترین تفاوت‌ها
۰,۱۰۶	۰,۰۴۹	۰,۰۹۷	۰,۱۰۴	۰,۱۳۷	۰,۰۹۶	مقدار مثبت	
-۰,۷۴	-۰,۰۶۲	-۰,۸۳	-۰,۰۸۰	-۰,۰۷۸	-۰,۰۶۵	مقدار منفی	
۰,۱۰۶	۰,۰۶۲	۰,۰۹۷	۰,۱۰۴	۰,۱۳۷	۰,۰۹۶	آمارهٔ آزمون	
۰,۵۷	۰,۲۰۰	۰,۰۸۱	۰,۰۴۲	۰,۰۰۱	۰,۰۸۵	سطح معناداری	

ملاحظه می‌شود با توجه به اینکه سطح معناداری (sig) مقیاس‌های هویت ایرانی و هویت قومی کوچک‌تر از ۰/۰۵ است، در این صورت، می‌توان گفت توزیع این متغیرها غیر نرمال است و در این موارد ما مجاز به استفاده از آزمون-های پارامتریک نیستیم، اما معناداری سایر مقیاس‌ها از ۰/۰۵ بزرگتر است و لذا توزیع آن‌ها نرمال و ما مجاز به استفاده از آزمون‌های پارامتریک هستیم.

جدول شماره ۶- آزمون میانگین جامعه برای تعیین مناسب بودن وضعیت متغیرها

سطح اطمینان ۰,۹۵		اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	T آماره	
حد بالا	حد پایین					
-۰,۱۰۳۴	-۰,۴۰۹۲	-۰,۲۵۶۳۰	۰,۰۰۱	۷۴	-۳,۳۴۱	هویت غربی

عوامل داخلی	۱۸,۷۳۱	۶۷	۰,۰۰۰	۱,۱۴۷۰۶	۱,۰۲۴۸	۱,۲۶۹۳
عوامل خارجی	۷,۴۰۴	۶۷	۰,۰۰۰	۰,۵۷۰۵۹	۰,۴۱۶۸	۰,۷۲۴۴

نتایج جدول نشان می‌دهد، با توجه به مقدار $t(-۳,۳۴۱)$ و سطح معناداری $(۰,۰۰۱)$ که از معناداری در سطح آلفای $۰,۰۵$ کوچکتر است، فرض صفر را می‌توان رد نمود؛ لذا فرض اصلی مبنی بر اینکه؛ گرایش جوانان شهر یاسوج به هویت غربی با نمره متوسط متفاوت است به اثبات می‌رسد، میانگین محاسبه شده از نمره متوسط مقیاس کوچک‌تر است، پس گرایش جوانان یاسوج به هویت غربی کمتر از متوسط است. نتایج جدول برای عوامل داخلی نشان می‌دهد، با توجه به مقدار $t(۱۸,۷۳۱)$ و سطح معناداری $(۰,۰۰۰)$ که از معناداری در سطح آلفای $۰,۰۵$ کوچکتر است، فرض صفر را می‌توان رد نمود، لذا فرض اصلی مبنی بر اینکه؛ عوامل داخلی بر گرایش جوانان شهر یاسوج به هویت غربی مؤثر است، به اثبات می‌رسد. میانگین محاسبه شده از نمره متوسط مقیاس بیشتر است، پس عوامل داخلی بیش از متوسط بر گرایش جوانان شهر یاسوج به هویت غربی مؤثر است. نتایج جدول برای عوامل خارجی نشان می‌دهد، با توجه به مقدار $t(۷,۴۰۴)$ و سطح معناداری $(۰,۰۰۰)$ که از معناداری در سطح آلفای $۰,۰۵$ کوچکتر است، فرض صفر را می‌توان رد نمود؛ لذا فرض اصلی مبنی بر اینکه عوامل خارجی بر گرایش جوانان شهر یاسوج به هویت غربی مؤثر است، به اثبات می‌رسد، میانگین محاسبه شده از نمره متوسط مقیاس بیشتر است، پس عوامل خارجی بیش از متوسط بر گرایش جوانان شهر یاسوج به هویت غربی مؤثر است. جهت اولویت‌بندی هویت‌ها از آزمون فریدمن استفاده شد. نتایج تحلیل‌ها در جداول زیر نشان داده شده است.

جدول شماره ۷- آمار توصیفی برای هویت‌ها

تعداد	کای اسکوئر	درجه آزادی	معناداری
۶۳	۸۴,۳۹۲	۳	۰,۰۰۰

نتایج جدول نشان می‌دهد که سطح معناداری محاسبه شده $(۰,۰۰۰)$ از معناداری در سطح آلفای $۰,۰۵$ کوچکتر است، لذا با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت میزان گرایش جوانان شهر یاسوج به هویت با یکدیگر متفاوت است. میزان تأثیر هر یک در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۸- رتبه میانگینی

رتبه میانگینی	هویت قومی	هویت ایرانی	هویت اسلامی	هویت غربی
۳,۵۲	۲,۸۳	۲,۰۰	۱,۶۴	

ارقام جدول فوق نشان می‌دهد که گرایش جوانان شهر یاسوج به هویت به ترتیب هویت

قومی، هویت ایرانی، هویت اسلامی و هویت غربی است.

جدول شماره ۹- آمار توصیفی برای عامل‌ها

تعداد	کای اسکوتر	درجه آزادی	معناداری
۶۸	۴۰,۹۷۰	۱	۰,۰۰۰

نتایج جدول نشان می‌دهد که سطح معناداری محاسبه شده (۰,۰۰۰) از معناداری در سطح آلفای ۰,۰۵ کوچکتر است، لذا با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت علل گرایش جوانان شهر یاسوج به هویت غربی با یکدیگر متفاوت است. میزان تأثیر هر یک در جدول زیر آمده است.

جدول شماره ۱۰- رتبه میانگینی

رتبه میانگینی	عوامل داخلی	عوامل خارجی
	۱,۸۸	۱,۱۲

ارقام جدول فوق نشان می‌دهد که به ترتیب عوامل داخلی و خارجی بر گرایش جوانان شهر یاسوج به هویت غربی مؤثر است.

بحث و نتیجه‌گیری

ترکیب هویتی جوانان شهر یاسوج را هویت اسلامی، ایرانی، قومی و غربی در نظر گرفتیم که بر اساس یافته‌های تحقیق مشخص شد که به ترتیب بُعد هویت قومی به عنوان غنی‌ترین بُعد هویت جوانان شهر یاسوج می‌باشد و بعد از آن بُعد هویت ایرانی در رتبه دوم می‌باشد. گرایش جوانان به هویت اسلامی در رتبه سوم و گرایش به هویت غربی در رتبه چهارم قرار گرفته است. این ترتیب دلایل مختلفی دارد از جمله فعالیت منابع هویت‌ساز رسانه‌ای در استان و شهر یاسوج، بافت بومی و سنتی شهر، پایبندی به آداب و رسوم سنتی، ساختار اجتماعی، قومی و قبیله‌ای حاکم بر شهر یاسوج و....، بُعد اسلامی در مرتبه سوم قرار دارد که البته از آنجایی که فرهنگ و هویت قومی و ایرانی قوم لر برگرفته از فرهنگ و هویت اسلامی و ایرانی است؛ لذا تناقضی وجود ندارد و متجانس می‌باشد و بین بُعد هویت قومی، ایرانی و اسلامی جوانان شهر یاسوج رابطه معناداری وجود دارد، اما آنچه مهم است قرار گرفتن بُعد هویت غربی در رتبه چهارم می‌باشد که جای خوشحالی و امیدواری است که علی‌رغم همه تلاش‌های غرب برای غلبه و تهاجم علیه فرهنگ و هویت ایرانی اسلامی ولی در رتبه چهارم قرار دارد.

در این زمینه باید توجه داشت این رتبه‌بندی به معنای غلبه هویت‌های قومی و ملی بر هویت دینی نیست؛ چراکه مبنی بر مباحث مقدماتی و نیز بسیاری مؤیدات تاریخی،

هویت اسلامی به عنوان لایه اصلی و اساسی هویت ملی ایرانی مورد توجه است و در واقع، مؤلفه‌های دیگر یعنی هویت قومی و ملی توانسته‌اند لایه اصلی هویت ملی را تقویت نمایند. بر این اساس، علقه جوانان یاسوج به قومیت و سرزمین، ریشه‌های اسلامی هویتشان را بارور نموده و به نوعی در مفهوم «هویت ملی اسلامی- ایرانی» تبلور می‌یابد. شاهد این امر در برهه‌های مختلف تاریخ انقلاب اسلامی قابل تبیین است. به عنوان مثال، همین عنصر اسلامی در هویت ملی به واسطه اهمیت و جایگاه خاص خود در دوران دفاع مقدس جوانان را از نقاط مختلف کشور به سوی جبهه‌های نبرد حق علیه باطل در غرب کشور سوق داد. با وجود آنکه شاید برخی از قومیت‌ها و شهرها در معرض تهدید مستقیم دشمن نبودند ولی جوانان از همه نقاط کشور با تکیه بر همان هویت غنی اسلامی ایرانی در جبهه‌ها حضور یافتند و از کیان ایران اسلامی دفاع نمودند. در این مقاله، هویت اسلامی، ایرانی، قومی و غربی جوانان شهر یاسوج به عنوان متغیر وابسته و عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر هویت جوانان شهر یاسوج به عنوان متغیرهای مستقل تحقیق دسته‌بندی گردیدند. بر اساس یافته‌ها و نتایج به دست آمده پاسخگویان به ترتیب عوامل داخلی و عوامل خارجی را بر شکل‌گیری و گرایش جوانان شهر یاسوج به هویت‌های چهارگانه مؤثر می‌دانند آنچه مشخص است این است که بین عوامل گرایش جوانان شهر یاسوج به هویت اسلامی، ایرانی، قومی و غربی در هر دو حوزه عوامل داخلی و خارجی همبستگی معناداری وجود دارد، لذا اگر عاملین هویت‌ساز داخلی بتوانند از منابع در اختیار به خوبی استفاده کنند و در راستای ابعاد هویت‌های اسلامی، ایرانی و قومی سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای خوبی داشته باشند. بدون تردید نقش عوامل خارجی، کم‌رنگ‌تر و تأثیر کمتری خواهد داشت و ضعف در عوامل داخلی، منجر به تأثیر و غلبه هویت غربی خواهد گردید.

- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یار احمدی، شیرازه.
- حرّانی، حسن بن شعبه، (۱۳۶۲)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۷)، بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان نیروی مقاومت بسیج، ۲۲ تیر ۱۳۷۷.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۷۲)، بیانات مقام معظم رهبری، روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۲ مرداد ۱۳۷۲، ص ۳.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۸)، پیام مقام معظم رهبری به مجمع بزرگ فرماندهان سپاه، ۱۳۶۸/۶/۲۶.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰)، برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مردم گیلان غرب.
- خمینی، سید روح‌الله، آزادی در اندیشه امام خمینی (ره)، (تبیان: دفتر بیست و هفتم)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ص ۸۴.
- خمینی، سید روح‌الله، آزادی در اندیشه امام خمینی (ره)، (تبیان: دفتر سی و دوم)، ص ۹۰.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۹)، صحیفه نور (جلد ۱۱)، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، صفحه ۱۸۳.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۹)، صحیفه نور (جلد ۲۱)، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- دبیران گروه‌های آموزشی جغرافیای استان‌ها، جغرافیای کامل ایران (ج ۲)، ص ۱۰۷۵.
- دوناتلا، دلاپورتا (۱۳۸۱)، نظریه جنبش‌های اجتماعی، ترجمه محمد تقی دلفروز، انتشارات فرهنگ معاصر.
- روسپینگه، تومار (۱۳۷۹)، مدرنیزاسیون و خشونت، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: سفیر.
- ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۴)، دین‌گریزی چرا؟ دین‌گرایی چه سان؟، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ساجدی، ابوالفضل و محمود نمازی (۱۳۸۰)، «میزگرد عوامل تضعیف و تقویت خودباوری فرهنگی و علل گرایش جوانان به فرهنگ غیر خودی»، ماهنامه معرفت، شهریورماه، شماره ۴۵.
- شاکرین، حمید رضا (۱۳۸۵)، پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی، چاپ سوم، قم: انتشارات معارف.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات (جلد دوم: قدرت هویت)، ترجمه علی پایا، انتشارات طرح نو.
- مجلسی، محمد باقر (۱۳۶۲)، بحارالأنوار (ج ۱۰)، تهران: دارالکتب الإسلامية، ص ۲۱۹، حدیث ۱۴.

- محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۷۷)، میزان الحکمه (ج ۲)، ترجمه حمید رضا شیخی، قم: دارالحديث.
- مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه (۱۳۷۸)، تهاجم فرهنگی، تهران: انتشارات معاونت فرهنگی سپاه.
- معمار، رحمت‌الله (۱۳۷۸)؛ «سنجش گرایش به هویت تاریخی»، تهران: اداره کل مطالعات مرکز تحقیقات و سنجش برنامه‌های سازمان صدا و سیما، منتشر نشده.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۷)، انسان کامل، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، انسان در قرآن، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، جامعه و تاریخ، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، خدمات متقابل اسلام و ایران، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات صدرا.
- معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در قرارگاه ثارالله (۱۳۷۸)، نفوذ و استحاله، تهران: معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه.
- ورجاوند، پرویز (۱۳۷۸)؛ پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- همتی، ماندانا (۱۳۷۸)؛ «زبان و هویت فرهنگی، به نقل از بهروز گرانپایه»، مجموعه فرهنگ و جامعه، ش ۱ صص ۱۲۳-۱۰۹
- یوسفی، علی (۱۳۸۰)، «روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، ش ۸: ۴۲-۱۱.